

اعتبار آزمایش‌های پزشکی

بحث به اصل مساله و بیان دلیل حکم در مساله منتهی شده است. آیا آزمایش‌ها و نظرات کارشناسی معتبرند؟

تذکر این نکته لازم است که هر چند ما نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی را به دو قسم حسی و حدسی تقسیم کردیم اما قسم سومی هم در بین هست که چون عدم اعتبار آن مفروض است به آن اشاره نکرده‌ایم. این قسم نظرات مبتنی بر تخمین و گمان است. یعنی اموری که خود آزمایش کننده هم به نتیجه جازم نیستند بلکه گمان و ظن دارند. برخی از ادله بر عدم اعتبار آزمایش‌های پزشکی ناظر به همین حیثیت بود که نتایج این آزمایش‌ها مبتنی بر جزم و یقین نیست. عدم اعتبار آزمایش‌ها و نظرات مبتنی بر تخمین و گمان مفروض است و مقتضای قاعده عدم اعتبار آن‌هاست نه برای خود آزمایش کننده و نه برای دیگران. آنچه ما بحث می‌کنیم نظرات و آزمایش‌های جزئی و قطعی است که گاهی بر مقدمات حسی مبتنی هستند و گاهی بر مقدمات حدسی.

بله چنانچه حکم و اثر بر خود گمان و ظن مترتب شده باشد در این صورت آن حکم و اثر بر نظرات کارشناسی و آزمایش‌هایی که بر تخمین و گمان مبتنی هستند مترتب خواهد بود. مثلاً قسامه بر وجود لوث و اتهام مترتب است و نظر تخمینی و ظنی آزمایشگاه می‌تواند مثبت لوث باشد و در این صورت اولیای دم بر اساس آن قسامه اقامه کنند.

بحث الان در اعتبار آزمایش‌ها و نظرات حسی است (به ضابطه‌ای که قبلاً گذشته است).

تشخیص ابتدای آزمایش بر مقدمات حسی یا حدسی محول به متخصصان آن امر است هر چند ممکن است برخی موارد را افراد عادی هم تشخیص دهند. آزمایشاتی مثل آزمایش قند یا فشار خون و ... از این قبیل هستند و شاهد آن هم این است که نوع افراد با آزمایش خون توسط نوار قند، به مقدار قند جزم و علم پیدا می‌کنند هر چند نوع افراد چگونگی تأثیر خون در آن نوار را تشخیص نمی‌دهند. آزمایش‌هایی مثل گروه خونی یا اثر انگشت و ... هم از همین قبیل آزمایش‌های مبتنی بر مقدمات حسی هستند.

به نظر مقتضای قاعده اعتبار این آزمایش‌ها به ملاک حجیت خبر ثقه است و ادله حجیت خبر ثقه یا حجیت خبر عدل یا حجیت بینة، قصوری از شمول این آزمایش‌ها ندارند. اطلاقات ادله شهادت، حجیت خبر ثقه یا عدل شامل این آزمایش‌ها هستند و در اطلاق آن ادله تفاوتی ندارد مستند شاهد یا مخبر، رویت باشد یا این آزمایش‌ها باشد. آنچه مهم است این است که شرایط حجیت خبر ثقه یا بینة در مورد آزمایش کننده محقق باشد. مثلاً اگر تعدد معتبر است باید دو نفر آزمایش کننده چنین شهادتی بدهند و ...

فرض ما این است که این آزمایش مبتنی بر مقدمات حسی است و موجب علم برای آزمایش کننده شده است، در این صورت اخبار به آن یا شهادت به آن جایز است و اطلاق ادله بینة یا خبر ثقه شامل آن است.

مثل:

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا ع قَالَ مَنْ وُلِدَ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ عُرِفَ بِالصَّلَاحِ فِي نَفْسِهِ جَازَتْ شَهَادَتُهُ (من لايحضره الفقيه، جلد ۳، صفحه ۴۸)

قَالَ: «كُلُّ مَنْ وُلِدَ عَلَى الْفِطْرَةِ جَازَتْ شَهَادَتُهُ، بَعْدَ أَنْ يُعْرَفَ مِنْهُ صِلَاحٌ فِي نَفْسِهِ» (قرب الاسناد، صفحه ۳۶۵)

معتبره ابن ابی یعفور:

رَوِيَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بِمَ تُعْرَفُ عَدَالَةُ الرَّجُلِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى تُقْبَلَ شَهَادَتُهُ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ أَنْ تَعْرِفُوهُ بِالسُّرِّ ... (من لايحضره الفقيه، جلد ۳، صفحه ۳۸)

درست است که روایت در مورد تشخیص عدالت است اما مفروض آن تشخیص عدالت برای اعتبار شهادت است.

البته این مورد از موارد تمسک به عمومات و اطلاقات در مسائل مستحدثه است و شبهاتی که در آن مساله مطرح است در اینجا هم مطرح می شود. قدر متیقن از حجیت خبر یا حجیت بینه، آن خبر و بینه ای است که بر مقدمات و آزمایش های جدید مبتنی نباشند. درست است که خبر یا شهادت آزمایش کننده بر اساس علم حسی است اما مقدمات این علم در عصر روایات وجود نداشته است. یعنی در عین اینکه مصداق قطعی اخبار یا شهادت است و همان مفهوم اخبار به همان وضع قدیم شامل این مورد هست اما مصداقی از اخبار است که قبلاً وجود نداشته است و مستحدث است. (همان طور که قبلاً تذکر داده ایم اگر مفهوم جدید باشد نه مصداق جدید، تمسک به دلیل شامل وضع برای مفهوم جدید واضح البطلان است) همان شبهه ای که در شمول اطلاقات نسبت به سفر با وسایل جدید وجود دارد در اینجا هم وجود دارد. اگر کسی شمول اطلاقات نسبت به مصادیق جدید را نپذیرد اینجا هم دچار مشکل خواهد شد. ما در مقدمات مبسوط به صورت مفصل به این شبهه پرداخته ایم و آن را جواب داده ایم.

نتیجه اینکه مقتضای قاعده حجیت و اعتبار آزمایش های پزشکی مبتنی بر مقدمات حسی است.